

نجر ا

گزیده اشعار مناجاتی حاج احمد آرونی

«آرام دل»

سال ۱۳۹۰



آرمانشاد اردل

نجوا

موضوع: گزیده اشعار مناجاتی

مولف: احمد آرونی

گردآورنده: جواد حیدری

ناشر: آرام دل

ناشر همکار: صیام

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۹۰

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

آرونی، احمد، ۱۳۸۵-۱۳۰۴. نجوا: گزیده اشعار مناجاتی حاج احمد آرونی

(آرام دل)/گردآورنده جواد حیدری. تهران: آرام دل: صیام، ۱۳۹۰. ۷۲ص.

۳-۱۵۳-۱۹۹-۹۶۴-۹۷۸، فیبا، شعر فارسی -- قرن ۱۴، شعر فارسی -

قرن ۱۴، حیدری، جواد، ۱۳۵۱، گردآورنده، PIR، ۷۹۲۹/۳۶۵، ۱۳۹۰

۱/۶۳۱۸، ۲۴۱۴۰۰۲

مرکز پخش:

تهران - میدان انقلاب - خ کارگر جنوبی - شهدای زاندارمیری پاساژ

ناشران و کتابفروشان کوثر - طبقه اول - پلاک ۷. تلفن: ۶۶۹۷۱۶۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم

آرام که با یاد خدا آرام است

با سوز دلش مدافع اسلام است

اشعار وی آشنای دلها باشد

گرچه خود او میان ما گمنام است

مقدمه از زبان حاج منصور ارضی

حدود سال ۴۶ - ۴۵ با استاد، حاج احمد آرونی معروف به آرام در حرم حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام آشنا شدم. آن موقع بیشتر اشعار ایشان مناجات بود و وعده گاه ملاقات ما نیز مجلس دعای کمیل بود. آن موقع دعای کمیل گاهی اوقات بیرون از حرم سیدالکریم و در امامزاده های اطراف تهران، مسجد جمکران و شهرهای نزدیک مثل ورامین برگزار می شد. این بزرگوار گرچه سوادشان سواد مکتبی قدیم بود اما درهای حکمت به رویش باز بود و اشعارشان واقعاً دلنشین است. لذا خیلی اشعار مناجاتی که بنده هنوز می خوانم و مردم با این اشعار با خدای خویش مناجات می کنند اشعار همان سالهای ۴۷ - ۴۶ ایشان است که حال و صفا و

اخلاص در سراسر آن موج می‌زند. حدود سال ۵۳ بعد از اتمام خدمت وظیفه رفت و آمد و استفاده ما از محضر ایشان بیشتر شد، تا اینکه به سالهای پرشور و غوغای انقلاب رسیدیم. در روزهای بعد از هفدهم شهریورماه سال پنجاه و هفت که یادش همیشه گرمی است، خانواده حاج آقا برای تشییع و بزرگداشت شهدای آن روز به بهشت زهرا علیها السلام مشرف شده بودند که در برگشت تصادفی رخ می‌دهد که همسر و دختر تازه عقد کرده ایشان به رحمت الهی پیوستند. این داغ برای ایشان خیلی سنگین بود، طوری که ایشان را از پا انداخت و خانه نشین کرد. ولی در عوض سوز و گدازشان بیشتر شد که در اشعار بعدی پیدا است. ایشان در بین اهل بیت علیه السلام علاقه و ارادت خاصی به امام زمان (عج) دارند و اگر غزلیات آرام را نگاه کنید هرکدام ریشه در کرامت خاصی از طرف اهل بیت علیهم السلام دارد.

برای نمونه می‌توان از این شعر یاد کرد:

بیا یابن الحسن ای پور حیدر

بینم روی تو یکبار دیگر

که در سحرگاه لیلۃ الرغائب مسجد جمکران در حالی سروده شد که حاج احمد آقا شفیعی (احمد دیوانه) مشغول راز و نیاز با امام زمان علیه السلام بود و به گلدسته مسجد نگاه می‌کرد و شعر شیخ بهایی را می‌خواند. همه دیدند نور سبزی از آسمان آمد و داخل گنبد مسجد جمکران شد و همه را از خود بیخود

کرد. آنهایی که آنجا بودند تا نزدیکی طلوع صبح در خاک می
غلطیدند و ناله می زدند. البته بیت معروف آن شعر این است:

از آن فیضی که در وقت سحر شد

دل دیوانه‌ام دیوانه تر شد

ایشان خیلی از اشعارشان دارای نکات دقیق و حیاتی برای
نوکران اهل بیت علیهم السلام است و خیلی از آن اشعار ورد
زبانهاست، اگر چه آنهایی که می خوانند شاید ندانند که
سروده ایشان است. تمامی این اشعار زیبا و دلنشین است، اما
اشعاری که در مورد ام المصائب حضرت زینب علیها السلام
سروده‌اند واقعاً بیاد ماندنی است. مخصوصاً شعری که بیش از
صد بیت بود و یک وقت بنده همه آن را از حفظ می خواندم:
منکه چون قطب در این درگاهم

گر حسین شمس بود من ماهم

هرچه او خواست من آن می خواهم

با حسینم همه جا همراهم

او بود شمع و منم پروانه

می دهم جان به رهش مردانه

یکی دیگر از اشعار آرام که شاید زیباترین شعری باشد که به
دل بنده نشسته، شعری بود که فی الہداهه در مجلس ذکر
مصیبت حضرت زهرا علیها سلام از زبان امیرالمؤمنین علیہ السلام
سرودند و مجلس عجیبی شد که این مصرع از آن بیت ناتمام

ماند:

به پیش مصطفی شرمنده باشم

آرام می فرمود: وقتی به خانه رفتم خیلی گریه کردم و با این شعر سوختم تا شب در خواب جمال دل آرای رسول اکرم و امیرالمؤمنین علیهم السلام را دیدم مولا فرمود: می دانی بقیه این شعر که گفتم چیست؟ سپس از جا برخاستند و با گریه عجیبی فرمودند:

که زهرا کشته و من زنده باشم

یکی دیگر از نوآوریها و خدمات ایشان در مجالس سید الشهدا علیه السلام سبکهای زیبا و جانسوزی بود که از عنایت اهل بیت علیهم السلام ارائه می دادند بالاخص سبکهایی که از سال ۶۰ تا ۶۷ عنایت شد.

سبک نوحه های او در ایجاد و احیای روح حماسه و شهادت در جنگ مانند اشعارش نقش بسزایی داشت و فردای قیامت من اگر اجازه پیدا کنم شهادت خواهم داد که آرام با اشعارش نقش بسیار زیادی در جبهه ها داشت.

یکی از اشعار زیبایش که بنده با سبکی که در مکه مکرمه به خودم عنایت شده بود خواندم سرود صبحگاهی خیلی از گردانها و ورد زبان رزمندگان شد:

در وادی الهی خدا خودش می دونه

محبت تو مولا زد از دلم جوونه

چکار کنم حسین جان دلم گرفته بونه
هردم کنم صدایت با اشک دونه دونه
آب روان بنوشم گویم به آن سرزان

دوست دارم حسین جان فدات بشم حسین جان
که بسیاری از شهدا با این ذکر، لباس مقدس شهادت را
پوشیدند. و یا این غزل که در جای جای جبهه خوانده می
شد:

منکه آواره در این صحرایم میهمان پسر زهرایم
و یا سبک محرم سال ۶۵ که در مسجد جامع بازار تهران
می خواندیم:

کنار علقمه شد غوغا حرم دیگر ندارد سقا

واویلا واویلا واویلا

که خیلی از سینه زنهایی که با این نوحه ها در محرم آن سال
سینه زدند در شلمچه، عملیات کربلای پنج با ذکر یازهرا علیها
السلام به شهادت رسیدند.

بنده آن اشعاری را که در مجلس گفته می شود چون با شور و
حال و اخلاص خاصی همراه است، بیشتر می پسندم و اکثر
شعرهایی که ما خواندیم و گل کرد همان شعرهایی بود که
فی البداهه در مجلس در حال بکاء و زمزمه سروده شد.

یادم می آید که یکی از شبهای ماه مبارک رمضان در مجلس
شب زنده دارها «امین الدوله» در خدمت استاد بزرگوار آقا

سید علی میرهادی (ره) بودیم که آرام با همراهی شهید غلامعلی رجبی (ره) که او هم در نوکری امام حسین علیه السلام چه در خواندن و چه در شعر گفتن عجیب بود این شعر را گفتند:

بریز ای کوفه بر فرقم هر آنقدری بلا داری

مبادا از برای دخترم زینب نگه داری

شاید اشعار آرام از نظر فن ادبی بالا نباشد ولی اخلاص در آنها به وضوح دیده می شود و از اثراتی که این اشعار در مجلس دارد می توان به اخلاص شاعرش پی برد. خصوصیت دیگر آرام این است که بدون اشک شعر نمی گوید، لذا آن شعری زیباست که شاعرش درحین گفتن این خصوصیات را دارا باشد:

(۱) حال انقطاع داشته باشد به هیچ کس حتی به خود توجهی نداشته باشد و هرچه می گوید آن را جز عنایت اهل بیت علیهم السلام نداند.

(۲) در حال گریه و بکاء حقیقی شعر بگوید و در آن حال مانند کسی باشد که واقعه را می بیند و می گوید.

(۳) بی ریا و خالص بگوید و شعر را مایه تفاخر قرار ندهد و علت تواضع ببیند.

و همه این سه شرطی که عرض شد بهترین زمان برای کسب آنها در حین مجلس شعر گفتن است که دیگر غروری نیست و شاید یک شعر را چند شاعر بگویند و کسی دنبال اینکه من

این شعر را گفته‌ام نباشد و این همان چیزی است که به شعر اثر جاودانگی می بخشد. به طور کلی دیدگاه بنده در مورد شعر این است که به وسیله آن باید فرهنگ الهی را به مردم برسانیم حال به زبان جهاد فرهنگ جهاد، به زبان امر به معروف و نهی از منکر، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، به زبان استقامت، فرهنگ استقامت و... به مردم ارائه شود.

موضوع اصلی شعر فرهنگ رسانی است و از آنجا که رساترین زبانها به گفته امام راحل لسان شعر است باید از این وسیله به نحو احسن استفاده کرد.

در آخر برای آن یار سفر کرده علو درجات را از محضر امام زمان علیه السلام خواستاریم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

منصور ارضی